

## اختلاف امت

مهم‌ترین اختلاف که مسلمانان را رودر روی هم قرار داد و تاکنون نیز ادامه دارد، اختلاف در مسأله امامت و وصایت و جانشینی پیامبر بود که مسلمانان را از جهت عقیده دچار تفرقه کرد و فرقه‌های گوناگونی پدید آمدند و حتی امروز هم امت اسلامی از آن رنج بسیار می‌برد.

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ  
أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَ يُدْبِقَ بَعْضَكُمْ بِأَسْ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ  
الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ.

بگو اوست که توانایی دارد که بر شما عذابی از بالای سرتان و یا از زیر پاهایتان  
برانگیزد یا شما را به صورت گروه‌هایی جدا از هم درآورد و خشونت بعضی از شما را بر  
بعضی دیگر بچشاند. بنگر که چگونه آیات را گوناگون بیان می‌کنیم شاید بفهمند. —سوره  
انعام آیه ۶۵

همان خدایی که انسان را از بلاها و گرفتاریها نجات می‌بخشد، ممکن است  
خودش بلا و عذاب نازل کند و آن هنگامی است که انسان موجبات هلاکت خود را  
فراهم سازد و کاری بکند که مستحق خشم و غضب خدا باشد.

این آیه از امکان نزول بلا از سوی خداوند سخن می‌گوید و اظهار می‌دارد که

خدا توانایی آن را دارد که برای شما از بالای سرتان و یا از زیر پایتان بلا نازل کند و یا شما را دچار تفرقه و اختلاف سازد و بعضی از شما را از شدت و خشونت بعضی دیگر بچشانند و میان شما درگیری و ناراحتی به وجود آید.

در اینجا از سه نوع عذاب یاد می‌کند که هر سه مربوط به این دنیاست: یکی عذابی از بالای سر یعنی از آسمان، مانند طوفان و صاعقه و یا بمبهای مخربی که در عصر مابه وجود آمده؛ دوم عذابی از زیر پا یعنی از زمین، مانند زلزله و شکافته شدن زمین و رانش کوه و یا انفجارهای زیر زمینی؛ سوم اختلاف کلمه و پیدایش گروه‌گرایی و فرقه‌گرایی در جامعه که باعث می‌شود گروه‌هایی که از نظر قدرت مادی قوی‌تر هستند، گروه‌های دیگر را بکوبند و جامعه طعم تلخ اختلاف را بچشد. پیدایش اختلاف در جامعه و جنگ داخلی آنچنان خطرناک است که خداوند آن را در ردیف بلاهای آسمانی و زمینی قرار داده است.

بدون شک یکی از عوامل سقوط جامعه‌ها از بین رفتن اتحاد و تفاهم و پیدایش اختلاف در میان مردم است و لذا می‌بینیم که استعمارگران و زورگویان همیشه برای شکستن قدرت یک جمعیت متشکل، در میان آنان ایجاد اختلاف می‌کنند و پایه‌های حکومت و قدرت خود را بر آن اساس محکم می‌سازند.

این حقیقت، علاوه بر این آیه، در چندین آیه دیگر از قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است. قرآن ضمن آنکه مسلمانان را به سوی وحدت و یگانگی دعوت نموده، آنان را از اختلاف و پراکندگی برحذر داشته و نزاع و مخاصمه و اختلاف را عامل از هم پاشیدگی جامعه و تلف شدن نیرو و توان آن دانسته است:

واطيعوا الله ورسوله ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابرين. (انفال/۴۶)

وا از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر ستیز نکنید که از هم می‌پاشید و نیروی شما از بین

می‌رود و صبر و استقامت کنید که خداوند با صابران است.

واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا. (آل عمران/۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید.

ولا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعدما جائتهم البينات و اولئك لهم

عذاب عظیم. (آل عمران/۱۰۵)

و مانند کسانی نباشید که متفرق شدند و پس از آنکه برایشان نشانه‌هایی آمد، اختلاف کردند و از

برای آنها عذابی بزرگ است.

ولا تكونوا من المشركين من الذين فرقوا دينهم و كانوا شيعاً كل حزب بما

لديهم فرحون (روم/۳۲)

و از مشرکان نباشید؛ از آنهایی که دین خود را دچار تفرقه ساختند و به گروه‌های مختلفی

تقسیم شدند و هر حزبی به آنچه که در نزد اوست شادمان است.

ان فرعون علا في الارض و جعل اهله شيعاً. (آل عمران/۱۰۵)

همانا فرعون در زمین برتری جست و مردم آن را گروه گروه کرد.

\* \* \*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

متأسفانه پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام، امت اسلامی دچار چنین اختلافی شد. این اختلاف به تدریج فزونی یافت و به جنگ‌های داخلی منجر گردید مانند جنگ‌های امیرالمؤمنین (ع) با ناکثین و قاسطین و مارقین که باعث شد مردم نتوانند از شخصیت والای امام استفاده شایسته ببرند و بعد از آن هم اختلافات و درگیری‌های فکری ادامه یافت و تاکنون هم ادامه دارد و پیکر اسلام همواره زخم‌دار این اختلافات است.

میر سید شریف جرجانی اختلافاتی را که از رحلت پیامبر (ص) تا خلافت

حضرت علی (ع) در جامعه اسلامی به وجود آمد، جمع‌بندی کرده و از دوازده نوع اختلاف نام برده است. او می‌گوید:

«اختلافهایی که از حین مرض پیامبر میان صحابه شروع شد، چند موضوع بود: اول جریان قلم و دوات و کاغذ خواستن پیامبر در مرض موتش و ردّ عمر آن را؛ دوم تخلف از لشکر اسامة بن زید که بعضی‌ها می‌گفتند باید به آن لشکر ملحق شد و بعضی‌ها می‌گفتند باید منتظر ماند؛ سوم اختلاف در اینکه آیا پیامبر مرده است یا زنده؟ عمر می‌گفت: پیامبر نمرده است؛ چهارم اختلاف در محل دفن پیامبر که آیا مدینه باشد یا مکه یا قدس؛ پنجم اختلاف در مسأله امامت و جانشینی

پیامبر؛ ششم اختلاف در اینکه آیا پیامبر ارثی از خود باقی گذاشته یا نه؟ هفتم اختلاف در تنصیب ابوبکر بر عمر در امر خلافت؛ هشتم در مسأله شوری؛ نهم در قتل عثمان؛ دهم در خلافت علی و معاویه؛ یازدهم در وقعه جمل و صفین؛ دوازدهم در مسایلی از احکام مانند کلاله و غیر آن...»<sup>(۱)</sup>

شهرستانی هم از ده نوع اختلاف نام می‌برد و با تفصیل بیشتری آنها را ذکر می‌کند.<sup>(۲)</sup> همچنین اسفرائینی این

متأسفانه پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام، امت اسلامی دچار چنین اختلافی شد. این اختلاف به تدریج فزونی یافت و به جنگهای داخلی منجر گردید مانند جنگهای امیرالمؤمنین (ع) با ناکشین و قاسطین و مارقین که باعث شد مردم نتوانند از شخصیت والای امام استفاده شایسته بکنند و بعد از آن هم اختلافات و درگیریهای فکری ادامه یافت و تاکنون هم ادامه دارد و پیکر اسلام همواره زخم‌دار این اختلافات است.

۲- شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۲۲.

۱- جرجانی، شرح المواقب، ج ۸، ص ۳۷۶.

اختلافات را به صورت دیگری بیان کرده است.<sup>(۱)</sup>

مهمترین اختلاف که مسلمانان را روی در روی هم قرار داد و تاکنون نیز ادامه دارد، اختلاف در مسأله امامت و وصایت و جانشینی پیامبر بود که مسلمانان را از جهت عقیده دچار تفرقه کرد و فرقه‌های گوناگونی سبز شدند و حتی اکنون هم امت اسلامی از آن رنج بسیار می‌برد.

طبق روایاتی که از طریق سنی و شیعه نقل شده، پیامبر اسلام (ص) از پیدایش فرقه‌ها و گروه‌های مختلف در میان امت اسلامی پس از خود، خبر داده بود و پیش‌بینی کرده بود که امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم خواهند شد.

حدیث مربوط به «افتراق امت» را، هم محدثان سنی و هم محدثان شیعه با سندهای مختلف نقل کرده‌اند. به عنوان نمونه به دو حدیث زیر توجه فرمایید:

عن ابی هریره عن رسول الله (ص) قال: ان بنی اسرائیل تفرقت علی اثنتین و سبعین ملة و تفترق امتی علی ثلاث و سبعین ملة کلهم فی النار الا ملة واحدة، قالوا: و من هی یا رسول الله؟ قال: ما انا علیه و اصحابی.<sup>(۲)</sup>

ابوهریره از پیامبر نقل می‌کند که فرمود: همانا بنی اسرائیل بر هفتاد و دو گروه تقسیم شدند و امت من بر هفتاد و سه گروه تقسیم می‌شوند که جز یک گروه همه در آتشند. گفتند: آن گروه کدام است یا رسول الله؟ فرمود: آنچه من و اصحابم بر آن هستیم.

عن علی (ع) قال: قال رسول الله: ستفترق امتی علی ثلاث و سبعین فرقة، فرقة منها ناجية و الباقون هالکون و الناجون الذین یتمسکون بولایتکم.<sup>(۳)</sup>

علی علیه السلام از پیامبر خدا (ص) نقل می‌کند که فرمود: بزودی امت من بر هفتاد و سه گروه تقسیم می‌شوند که یکی از آنها نجات می‌یابد و بقیه هلاک می‌شوند و آنها که نجات می‌یابند کسانی

۱- اسفرائینی، التبصیر فی الدین، ص ۱۹. ۲- سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۶.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۱.

هستند که به ولایت شما چنگ زده‌اند.

به طوری که گفتیم، این حدیث به شکلهای گوناگونی نقل شده و در پایان بعضی از آنها فرقه ناجیه یا گروهی که رستگار خواهند بود، نام برده شده است و جالب اینکه هر گروهی آن را با خود تطبیق کرده است ولی انصاف این است که با توجه به حدیث ثقلین که در آن پیامبر خدا دو چیز را مایه هدایت معرفی کرده یکی قرآن و یکی عترت او و با توجه به حدیث سفینه که پیامبر در آن اهل بیت خود را به کشتی نوح تشبیه کرده، می‌توان به روشنی فرقه ناجیه را تعیین کرد.

بعضی از نویسندگان ملل و نحل برای پر کردن عدد هفتاد و سه، دست و پا کرده‌اند و از فرقه‌ها و مذاهب مختلفی نام برده‌اند که از جمله آنها ابو منصور بغدادی است که با فرقه‌سازیهایی خود خواسته است عدد را پر کند<sup>(۱)</sup> و این در حالی است که بعضی از نویسندگان در صحت این حدیث تردید دارند.<sup>(۲)</sup>

ما تصور می‌کنیم که در صورت صحت صدور این حدیث از پیامبر اسلام (ص) منظور از این عدد تکثیر و مبالغه است و اینکه امت اسلامی به گروه‌های بسیاری تقسیم خواهند شد و عدد موضوعیت ندارد و اینکه در روایت آمده که یهود بر هفتاد و یک گروه و نصاری بر هفتاد و دو گروه تقسیم شدند و مسلمانان بر هفتاد و سه گروه تقسیم خواهند شد، بیانگر این معناست که فرقه‌های نصاری بیش از فرقه‌های یهود و فرقه‌های مسلمانان بیش از فرقه‌های نصاری است. بنابراین عدد هفتاد مانند جاهای دیگر برای کثرت و مبالغه است و عدد یک و دو و سه برای نشان دادن تفاوتی است که از لحاظ کثرت فرقه‌ها، میان یهود و نصاری و مسلمانان وجود دارد.

۱ - بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۲۲ به بعد.

۲ - عبدالرحمن بدوی، مذاهب الاسلامیین، ج ۱، ص ۳۴.